



## جهانی شدن

# تهدیدهای

# فرصت‌های ناشی از آن

رضا اسماعیلی

عضو گروه علوم اجتماعی

مرکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان اصفهان

مقدمه

«جهانی شدن» از جمله مفاهیمی است که ابهام معنایی زیادی دارد. در حال حاضر، بسیاری از فعالیت‌ها و برنامه‌ها زیر عنوان «جهانی شدن» آورده می‌شوند، بدون آن که اجماع نظر پذیرفته شده‌ای برای این مفهوم به وجود آمده باشد؛ به طوری که ناظران گوناگون، آن را برای توصیف پدیده‌های متفاوت در قلمرو سیاست، اقتصاد و فرهنگ به کار می‌برند.

مفهوم «جهانی شدن» زمینه ساز به کارگیری برخی دیگر از اصطلاحات همانند با آن نظیر: جامعه جهانی<sup>۱</sup>، وابستگی متقابل<sup>۲</sup>، گرایش‌های تمرکزگرا<sup>۳</sup>، نظام جهانی<sup>۴</sup>، یکپارچگی جهانی<sup>۵</sup>، عمومیت یا جامعیت<sup>۶</sup>، بین‌المللی شدن<sup>۷</sup> و جهان گرایی<sup>۸</sup> شده است که همراه با تلاش برای فهم جزئی تفاوت عمده بین امور اجتماعی در گذشته و حال، به کار گرفته می‌شوند.

گسترده‌گی و تعدد معنای مفهوم مورد نظر، بیش از آن که بارتاب سردرگمی برخاسته از نادانی باشد نشانگر آغاز یک مرحله از تعبیر وضعیت ژرف هستی‌شناسانه و جست و جوی حسنگی ناپذیر برای یافتن راه‌های تازه فهم پدیده‌های ناشناخته است که تمام جنبه‌های زندگی بشر را در بر گرفته است.<sup>۹</sup> (روزه‌ها، ۱۳۷۸)

### مفهوم جهانی شدن

در عصر مدرن، سطح و عمق فاصله‌گیری زمانی و مکانی بسیار بالاتر از دوران پیشین است و روابط میان دولت‌ها و رویدادهای اجتماعی و دوردست به همین اندازه درهم تنیده شده‌اند. «جهانی شدن» اساساً به همین فراگرد دست یابنده مرتبط است، تا آن جا که شیوه‌های ارتباط میان زمینه‌ها و یا مناطق گوناگون اجتماعی، در کل پهنه سطح زمین در قالب شبکه‌ای در آمده است.

«جهانی شدن» را می‌توان تشدید روابط اجتماعی در سطح جهانی تعریف کرد؛ همان روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می‌دهند که هر رویداد محلی تحت تأثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارد؛ شکل می‌گیرد و بالعکس (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۳۷). دگرگونی محلی به عنوان بسط جنبی روابط اجتماعی در پهنه زمان و مکان، در واقع بخشی از فرایند جهانی شدن به شمار می‌آید. بدین سان، هر کس که پدیده‌های ایجاد شده در شهرهای امروزی را در هر نقطه جهان بررسی می‌کند، نیک می‌داند وقایعی که در یک محله شهر رخ می‌دهند، احتمالاً تحت تأثیر عواملی مانند عملکرد

بازارهای پولی و کالاهای جهانی و یا تصمیم‌های سیاسی و فرهنگی شکل می‌گیرند. این عوامل را که به تحکیم فرایندهای جهان گرایانه سرعت می‌بخشند، می‌توان از ویژگی‌های عصر حاضر دانست. در واقع «جهانی شدن» یعنی شدت بخشیدن به آن دسته از روابط اجتماعی که نقاط جغرافیایی دور دست را با هم مرتبط می‌سازند و این ارتباط به شکلی است که از طریق آن، وقایعی که در یک نقطه از جهان روی می‌دهند، تحت تأثیر وقایع نقاط مایل‌ها دورتر از آن هستند و برعکس (گیریا، ۱۳۷۸، ص ۲۱۵).

در حال حاضر، تعریف مکان و زمان و مفهوم محدوده فیزیکی مکان متحول شده است. زمان لازم برای فن آوری اطلاعات آن قدر کاهش یافته است که ما می‌توانیم به راحتی تفاوت شگفت‌انگیز میان آن‌ها و سایر تجربیات زمانی انسان در گذشته را درک کنیم. «جهانی شدن» به معنای امکان تحقق جامعه انسانی است. یعنی چیزی که قبلاً هرگز وجود نداشته است؛ جامعه‌ای که اکنون در آن واحد، همه بازیگران اجتماعی عضو، به یکباره روی صحنه می‌آیند.

روند جهانی شدن را می‌توان از سه دیدگاه اساسی مورد بحث قرار داد: دیدگاه

اول، ماهیت جهانی نظام دولت - ملت است. به طوری که گستره سیاسی جهان به واحدهای مستقلی تقسیم می شود که در حیطه سرزمین‌هایی یا مرزهایی کاملاً مشخص دارای حاکمیت باشند. قابلیت انجام بازی در سطح فوق ملی را داشته باشند. از این جهت، دولت - ملت به تمام معنای کلمه، به یک عنصر سیاسی جهانی تبدیل شده است.

دیدگاه دوم مشتمل بر نقش کاپیتالیسم به عنوان یکی از نیروهای بنیادین جهانگرایی می شود که مختصراً به نظم اقتصادی می پردازد. به اصطلاح نظریه نظام جهانی که والرشتین حامی آن است. «جهانی شدن» ارائه دهنده تصویری از دنیای مدرن است که آن را به شکل هسته و عناصر نیمه حاشیه ای تقسیم بندی و ترسیم می کند (همان منبع، ص ۲۱۶).

البته نقص اصلی نظریه والرشتین، تأکید وی نسبت به نقش کاپیتالیسم به عنوان تنها رابطه پیچیده و نهادینه حاکم است که مسؤولیت تحولات مدرن را بر عهده دارد. و در نهایت دیدگاه سوم، ایجاد جامعه ای علمی است که در آن، جریان پیوسته اطلاعات، انتشار سریع عقاید و افکار را میسر می سازد.

اما باید اذعان داشت که درک صحیح از معنای «جهانی شدن»، صرفاً در این سه دیدگاه متبلور نمی شود. «جهانی شدن» به این معناست که کل بشریت باید مسائلی را حل کند که به تنهایی نمی توان برای آن پاسخ پیدا کرد. در واقع مسائل جهانی، راه حل هایی جهانی را می طلبد و دنیای ما برای پاسخگویی به سؤالاتی که آینده بشریت را به چالش می کشند، نیاز به یافتن راه های جدید دارد.

جوامع مدرن شدیداً به جریان مداومی از اطلاعات متکی هستند که به ویژگی های روبنایی و زیر بنایی زندگی اجتماعی می افزاید. مردم از خطر احتمال وقوع یک

فاجعه هسته ای، تخریب فراینده سیاره زمین در نتیجه استفاده مداوم از منابع طبیعی، و نابرابری موجود میان کشورهای جهان اول و جهان سوم آگاهند.

تمامی عوامل فوق بر این نکته تأکید دارند که وابستگی های متقابل بشری به حدی جهانی شده اند که جوامع مدرن، در تاریخ جزو اولین جوامعی خواهند بود که امکان نابودی خویشتن و مهم تر از آن، امکان به وجود آوردن دنیای جدیدی را که به وسیله تصمیمات مردم ساکن در آن شکل می گیرد، فراهم آورده اند. «جهانی شدن» بعد جدید و برجسته ای به زندگی افراد می افزاید، به قسمی که افق دید آن ها را وسیع می نماید و چشم اندازهای جدیدی از نتایج اقدامات را به آنان می نمایاند.

جدال میان موضوعات محلی و جهانی، از عناصر ذاتی «جهانی شدن» است؛ فرایندی که وقایع محلی به وسیله آن دستخوش دگرگونی شدید می شود و تحت تأثیر گسترش ارتباطات اجتماعی که محدوده های زمانی و مکانی را پشت سر می گذارند، شکل می گیرد. همزمان، وقایع محلی هنگامی که جدای از زمان و مکان مفروض وقوع خود ارزیابی شوند، از اهمیت کاملاً جدی برخوردار می شوند. موضوعات محلی و جهانی، در تار و پود یکدیگر پیوند می خورند و شبکه ای به وجود می آورند که هر دو در نتیجه تعامل های خود در آن شبکه، دگرگون می شود. «جهانی شدن» از طریق تنش های میان نیروهای جامعه جهانی از یک سو، و نیروهای متنوع فرهنگی و تفاوت های قومی و فرهنگی، و همگن سازی از سوی دیگر، خود را بروز می دهد.

آن گونه که می توان دریافت کرد، «جهانی شدن» معادل یا مشابه بین المللی گرایی یا فقط تراکمی از وابستگی های متقابل نیست، بلکه روندی فراتر از این مفاهیم است. این فرایند نه تنها تبیین کننده روابط این دولت ها

و به همان میزان سازمان های فراملی است، بلکه دربرگیرنده روابط شهروندان کل جهان نیز هست و از آن میان، بر مسائل بسیاری از جمله هویت، زبان و فرهنگ آن ها تأثیر گذاشته شود. از این زاویه، «جهانی شدن» به عنوان واقعیت زمان ما تاریخ خاص خود را دارد. در عین حال، اجماعی در مورد ریشه و مبدأ تاریخی «جهانی شدن» در دست نیست. «جهانی شدن» در چه زمانی



ظهور کرد، به حقیقت پیوست و از چه عصری موجودیت یافت؟ به این سؤال‌ها، می‌توان سه نمونه جواب عنوان کرد که در ذیل به اختصار توضیح داده می‌شوند:

نظریه نخست که اکثریت محققان بر آن نظر دارند، نظریه مردم‌شناسی است که معتقد است، ظهور «جهانی شدن» به زمان خاصی تعلق ندارد، بلکه با تاریخ بشریت مرتبط است. به عبارت دیگر، ظهور آن از خیلی پیش‌تر با آغاز اولین تشکل بشری همراه بوده است.

در مقابل این نظریه، نظریه کاملاً جدیدی در دست است که «جهانی شدن» را پیامد مستقیم جنگ سرد و فروپاشی تنها قدرت معارض یعنی اتحاد جماهیر شوروی در برابر بلوک سرمایه‌داری می‌داند. می‌توان فوکویاما را بهترین معرف این گروه به شمار آورد. گروه سومی نیز وجود دارد که معتقد است، تاریخ «جهانی شدن» با جنگ جهانی اول مرتبط است. یان کلارک با این ادعا که جنگ باعث ادغام عمیق‌تر اقتصاد استعماری در اقتصاد بین‌المللی شد، این ایده را مطرح می‌کند که به دنبال این جنگ‌ها، ایدئولوژی‌های خاص جهانی در شکل‌های «لنینیسم» و «ناسیونالیسم» تبلور یافتند. (مظفری، ص ۶۶۱).

همان‌طور که در بالا عنوان شد، هیچ اتفاق نظری پیرامون ریشه و مبدأ «جهانی شدن» در دست نیست. در مجموع باید گفت، «جهانی شدن» به صورت‌های گوناگونی نیز تعریف شده است و هیچ اجماعی درباره علل این پدیده وجود ندارد. به گفته مک‌گور «جهانی شدن» یعنی افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از آن دولت‌ها دامن می‌گستراند و نظام جدید جهانی را می‌سازد. «جهانی شدن» به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن، حوادث، تصمیمات و فعالیت‌های یک بخش از جهان، می‌تواند برای افراد و جوامع در بخش‌های بسیار دور کره زمین نتایج

مهمی در بر داشته باشد (ویلیامز، ۱۳۷۹، ص ۱۳۷).

از طرفی آنتونی گیدنز «جهانی شدن» را یک رشته فرایندهای پیچیده‌ای می‌داند که نیروی محرک آن را ترکیبی از تأثیرات سیاسی و اقتصادی تشکیل می‌دهند و «جهانی شدن»، در عین حال که نظام‌ها و نیروهای فراملی جدیدی را به وجود می‌آورد، زندگی روزمره را به ویژه در کشورهای توسعه یافته، تغییر می‌دهد. همچنین گیدنز «جهانی شدن» را تنها زمینه‌ای برای سیاست‌های معاصر نمی‌داند و معتقد است که «جهانی شدن» نهادهای جوامعی را که در آن زندگی می‌کنیم، دگرگون می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۴).

آنتونی گیدنز، «جهانی شدن» را بسط، گسترش و دنباله آنچه که در گذشته وجود داشته است نمی‌داند، بلکه آن را پدیده‌ای تلقی می‌کند که به نحو بنیادی، جدید است. بر خلاف سایر نظریات در مورد «جهانی شدن» گیدنز معتقد است که این پدیده صرفاً فرایندی در بعد اقتصادی نیست که تنها بر اساس اقتصاد بازار قابل فهم باشد، این پدیده پایان سیاست، دولت، ملت، خانواده، فرهنگ و عواطف نیست. بلکه بر عکس برخی از آن‌ها را تقویت می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۱۱).

همچنین بر این نظر تأکید می‌کند که معنای «جهانی شدن» این نیست که جامعه جهانی در حال یکپارچه شدن است. بر عکس، این پدیده در برخی ابعاد با تفرق و پراکندگی روبه‌روست، تا اتحاد و یکپارچگی.

در واقع موضوع «جهانی شدن» از نظر گیدنز، روابط عاطفی افراد و زندگی شخصی آن‌ها و روابط محلی و منطقه‌ای است که به سراسر جهان کشیده شده است، نه صرفاً یک مسأله اقتصادی (همان منبع، ص ۱۳).

مارتین آلبرو، از دیگر نظریه پردازان

پدیده «جهانی شدن»، این پدیده را فرایندهایی که بر اساس آن تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم می‌پیوندند، معرفی می‌کند. همچنین امانوئل ریشر، «جهانی شدن» را شکل‌گیری شبکه‌ای می‌داند که طی آن اجتماعاتی که پیش از آن در کره خاکی دور افتاده و منزوی بودند، در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند (صداقت، ۱۳۷۹، ص ۲۱).

بنابراین تعریف‌ها که در بالا به آن‌ها اشاره شد، «جهانی شدن» پدیده‌ای است که بر اثر وقوع آن در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها، نقش مرزهای جغرافیایی به حداقل کاهش می‌یابد. در این رهگذر، منافع تک‌تک انسان‌ها و کشورهای پیش از این در منافع تمام مردم و در تمام کشورهای جهان درهم تنیده، خواهد شد. در دنیای جهانی شده، واژه «ملی»، جای خود را به واژه بین‌المللی خواهد داد. لذا در عصر حاضر که اولین تافلر آن را عصر دانایی می‌داند، نه تنها کالا و خدمات و سرمایه، بین ملل دنیا به آسانی به گردش در می‌آید، بلکه افکار و دانش بشر نیز آسان‌تر و بی‌حد و مرزتر از گذشته مبادله می‌شود. (سید نورانی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸).

در واقع «جهانی شدن»، محیط یگانه‌ای را برای کلیه کشورهای جهان به وجود می‌آورد که در آن، پیوندهای بین‌المللی به حداکثر خواهند رسید. در این محیط یگانه، قوانین، جهان شمول است و جامعه جهانی باید از آن تبعیت کند.

«جهانی شدن» به عنوان واژه رایج دهه ۱۹۹۰، به عنوان روندی از دگرگونی، از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر می‌رود و علم و فرهنگ و کسب زندگی را نیز در برمی‌گیرد. از این جهت جهانی شدن پدیده‌ای است که قابل تسری به اشکال گوناگون عمل اجتماعی، اقتصادی،

سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی، فناوری و همچنین عرصه‌های متفاوت عمل اجتماعی نظیر محیط زیست است (کومسا، ۱۳۷۸، ص ۱۸۳).

در این حالت می‌توان گفت که «جهانی شدن» به عنوان یک مفهوم، هم به کوچک شدن جهان و هم به تقویت آگاهی از جهان اشاره دارد. معمولاً علت این کوچک شدن را پیشرفت سریع فناوری و تشدید روزافزون فعالیت‌های اقتصادی می‌دانند. در همین تفسیر از جوامع ملی است که کارآمدی مقامات ملی متزلزل می‌شود و استقلال عمل آن‌ها را از بین می‌برد. به علاوه، توسعه شبکه‌های فراملی و ساختارهای اقتدار جهانی موجب جابه‌جایی و گسیختگی تصمیم‌گیری ملی می‌شود. این کوچک

شدن فیزیکی جهان و اندیشه دهکده جهانی، با درک متحولی از زمان و مکان همراه است.

رابرتسون یکی دیگر از صاحب‌نظران در این زمینه، معتقد است که دیگر نباید از نظام بین‌المللی دولت‌ها صحبت به میان آورد، بلکه از «جهانی شدن» در سطح فرهنگی سخن به میان می‌آورد و این مفهوم را در یک تعریف به صورت زیر مطرح می‌کند:

«جهانی شدن» یا سیاره‌ای شدن جهان، مفهومی است که هم بر تراکم جهان و هم بر تشدید آگاهی درباره جهان به عنوان یک کل، هم وابستگی متقابل و واقعی جهانی و هم آگاهی از یکپارچگی جهان در قرن بیستم اشاره می‌کند (واترز، ۱۳۷۹، ص ۶۷).

### جهانی شدن، موافقان و مخالفان

هام لینک سیزجی، استاد روابط بین الملل در دانشگاه آمستردام و عضو افتخاری «انجمن بین‌المللی تحقیقات رسانه‌ها و ارتباطات»، بر این عقیده است که جهانی شدن دارای معنای دو پهلوست. او پدیده «جهانی شدن» را هم به مثابه یک ابزار تحلیلی و هم به مثابه یک برنامه سیاسی در نظر می‌گیرد.

۱. جهانی شدن به مثابه یک ابزار تحلیلی از منظر نخست، «جهانی شدن» برای تبیین و تفسیر فرایندهای اجتماعی موجود به کار می‌رود و بر همین اساس طرفداران و مخالفان خود را داراست. استدلال هر یک از موافقان و مخالفان جالب و قابل توجه است. در این جا تلاش شده است، اهم

ویژگی‌های مهم پدیده «جهانی شدن» و آرای موافقان و مخالفان در این باره

موضوع	دلایل موافقان (خوش‌بینان)	دلایل مخالفان (بدبینان)
گرایش به سمت سرمایه‌داری شدن اقتصاد کشورها	۲۰ درصد کشورها در دهه ۷۰، اقتصاد سرمایه‌داری داشتند، در حالی که در دهه ۱۹۹۰، این سهم به ۹۰ درصد رسیده است.	اقتصاد جهانی در واقع اقتصاد تعداد محدودی از کشورهای ثروتمند و بالاخص آمریکا است. به طوری که از هر ۱۰ نفر عضو دهکده جهانی، شش نفر آمریکایی هستند که ۵۰ درصد ثروت دنیا را دارند. در صورتی که ۵۰ درصد سرمایه متعلق به ۹۴ درصد دیگر است.
رونق تجارت و تجاری شدن جهان	تجاری شدن بیش‌تر جهان و تحول در کمیت و کیفیت تجارت و لزوم رقابت در کسب بازارهای جدید از تبلیغات و تولید محصول متناسب با نیاز مشتری	تجارت متعلق به همه جهانیان نیست، بلکه مختص مناطق خاص جغرافیایی است. دلیل آن کاهش طریق سهم کشورهای در حال توسعه، از ۳۰ درصد تجارت جهانی در دهه ۱۹۵۰ به ۲۰ درصد در دهه ۱۹۹۰ است.
گردش سرمایه در جهان	رشد بازارهای پولی دنیا و رونق سریع بازارهای مالی کشورهای ساحلی و افزایش گرایش جهانی سرمایه، خارج از چارچوب حکومت‌های ملی	تأکید اقتصاد جهانی مبتنی بر سرمایه‌داری بر سرمایه‌گذاری بر سرمایه‌گذاری زودبازده و کوتاه‌مدت است، در صورتی که کشورهای جهان سوم به سرمایه‌گذاری مولد نیاز دارند.

نظریات مخالفان و موافقان بر اساس نظرات هام لینک، در جدول به گونه ای خلاصه ارائه شود.

۲. جهانی شدن به مثابه یک برنامه سیاسی  
«جهانی شدن» در این منظر به عنوان یک برنامه و راهنمای عمل سیاسی مورد توجه است. طرفداران «جهانی شدن» به مثابه یک برنامه سیاسی، استدلال می کنند که محصول «جهانی شدن»، افزایش رفاه از طریق ایجاد و گسترش بازارهای رقابتی و آزاد است. از نظر آنان توسعه بازارهای آزاد به اشتغال بیش تر نیروی کار و ارتقای کیفیت کالاها و خدمات منجر می شود؛ به طوری که رضایت متقاضی (مشتری) را در پی داشته باشد. در مقابل، منتقدان «جهانی شدن» این برنامه را یک برنامه سیاسی نئولیبرالی می دانند که ما حاصل آن افزایش قدرت سلطه گران و قدرتمندان در عرصه اقتصاد و سیاست و فرهنگ است. به زعم آنان، «جهانی شدن» در سطوح مختلف برای اقشار گوناگون دارای تأثیرات مختلفی است. میلیون ها کشاورز، مهاجر، جوانان، زنان و کارگر شهری که زندگی بسیار فقیرانه ای دارند، از پیامدهای منفی «جهانی شدن» آسیب می بینند. آن ها در اقتصاد جدید جهانی نادیده گرفته شده و به حاشیه رانده شده اند. مخالفان «جهانی شدن» بر این باورند که این فقر است که جهانی شده است، لذا باید از «جهانی شدن فقر» سخن گفت. آنان شاهد خود را افزایش نرخ ۲۰ درصد ثروتمندترین مردم دنیا به ۲۰ درصد فقیرترین آن ها از ۱/۳۰ در سال ۱۹۶۰ به ۱/۸۰ در سال ۱۹۹۵ می دانند (هام لینک، ۱۳۷۸، ص ۳۷۴).  
طرفداران و مخالفان «جهانی شدن» در مورد ابعاد فرهنگی برنامه «جهانی شدن» اختلاف نظر دارند. موافقان می گویند، این برنامه باعث افزایش تنوع فرهنگی می شود. در حالی که مخالفان آن را نوعی امپریالیسم فرهنگی کهن می دانند که در شکل جدید



ظاهر شده است. به زعم آنان، برنامه جهانی سازی درصدد ایجاد انحصارات و الیگارش‌های مالی است که جهان را به زیر سلطه خود در می آورد. امری که به تعبیر سرژ لاتوش<sup>۱۱</sup> «غربی سازی جهان نامیده شده است. او به عنوان متفکر جهان سوم گرای فرانسوی که غرب را با نگاه دقیق خود نقد می کند، هشدار می دهد که نخبگان جهان سوم نباید خود را با مدرنیست غرب همساز و یگانه سازند. به نظر او این درست است که «غرب رهایی بخش» است، محیط اجتماعی را، از هزار قید و بند جامعه سنتی آزاد می کند و امکانات بی نهایتی را می گشاید. اما این آزادی و امکانات فقط برای اقلیتی اندک وجود دارد. در عوض، همبستگی و امنیت برای همگان از بین می رود.<sup>۱۲</sup>

بنیادی وجود دارد. به بیان دیگر، گفتمانی واحد درباره مفهوم «جهانی شدن» تقریر نشده است و اجماع نظری در این زمینه وجود ندارد. شکل زیر چرایی و فرجام «جهانی شدن» و داوری آنان را از منظر مکاتب گوناگون نشان می دهد.  
در مقابل واژه «جهانی شدن» محلی کردن قرار دارد. محلی کردن برخاسته از تمام فشارهایی است که افراد، گروه ها و نهادها را به محدود ساختن افق های خود و انجام رفتارهای ناهمگون و حضور یافتن در فرایندها، سازمان ها یا نظام های کم شمول تر، رهنمون می سازد. به دیگر سخن هر گونه رویداد فنی، روانشناختی، اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی که گستردگی، منافع و رویه ها را ورای قلمروهای جا افتاده، تقویت نماید، هم منشأ، هم مبین فرایندهای «جهانی شدن» است و رفتارهایی که در حوزه های محدود کننده و کاهش دهنده منافع قرار می گیرند، هم مبین و هم

منشأ فرایندهای محلی کردن هستند.

«جهانی شدن» مرزها و هویت‌ها را کم رنگ‌تر می‌کند. در حالی که محلی کردن یا بهره‌گیری از فشارهای سوق دهنده به سوی محدودیت و کناره‌گیری، مرزها را پررنگ‌تر و پیوستگی به سرزمین را تشدید می‌کند و با غلبه شور و هیجان و اقامه دلیل و برهان همراه است. کوتاه سخن این که «جهانی شدن» فرایندی مرزگشا<sup>۱۴</sup> و محلی کردن فرایندی مرزافزا<sup>۱۵</sup> است.

اولی به مردم، کالاها، اطلاعات، هنجارها، عادت و نهادها، بی توجه به مرزها، اجازه جا به جایی می‌دهد. اما علت وجودی فرایندهای مرزافزای محلی کردن، ایجاد ممانعت از جا به جایی مردم، کالاها، اطلاعات، هنجارها، عادت‌ها و نهادهاست (روزه‌نا، ۱۳۷۸).

در مجموع در یک نگرش کلی می‌توان

ویژگی «جهانی شدن» را در موارد زیر برجسته کرد (تاجیک، ۱۳۸۰، ص ۳۱۲):

- «جهانی شدن» اقتصاد
- تبدیل شدن دولت‌های ملی به واحدهای اقتصادی
- ملیت زدایی (غیر ملی شدن)<sup>۱۶</sup>
- سرزمین زدایی (غیر سرزمینی شدن)<sup>۱۷</sup>
- مکان زدایی<sup>۱۸</sup>
- ظهور هویت‌های منفرد
- ظهور یک اقتصاد و فرهنگ جهانی واحد
- تبدیل جهانی به یک کالبد اجتماعی واحد و ظهور یک نظم جدید
- تحلیل دولت - ملت مدرن
- تمرکز زدایی از ساختار منابع و عناصر قدرت و حاکمیت
- تحول در الگوهای زندگی اجتماعی
- وفاداری زدایی
- سیال شدن سرمایه

### ارزیابی از وضعیت فعلی «جهانی شدن»

در سال ۲۰۰۱ میلادی، مریل لینچ فروم<sup>۱۹</sup> در مصاحبه با دکتر فوکویاما، واضح نظریه پایان تاریخ و «جهانی شدن» نظریه لیبرال دمکراسی غرب پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، موضوع «جهانی شدن» اقتصاد و فرهنگ را مورد پرسش قرار داد<sup>۲۰</sup>. فوکویاما نظریه پرداز آمریکایی لیکن با تبار ژاپنی، اظهار داشت که «جهانی شدن» موجب تشابه فرهنگی می‌شود. به نظر او جوامع باوجود فشارهای اقتصادی، ویژگی‌های خود را حفظ می‌کنند. «جهانی شدن» تأثیرات خود را روی جوامع خواهد داشت. اما به این معنا نیست که آثار فرهنگی عمیق و کهن به آسانی فراموش شوند. او در ارزیابی خود اظهار داشت که در بسیاری از جنبه‌ها، پدیده «جهانی شدن» هنوز

### جراحی و فرجام «جهانی شدن» از نگاه اندیشه گران و مکاتب تکامل منطقی سرمایه داری

نقش شرکت‌های چند ملیتی	اداره دنیا توسط شرکت‌های چند ملیتی با سهامداران پراکنده در اقصی دنیا و فعالیت گسترده در عرصه‌های تحقیق و تولید و...	شرکت‌های چند ملیتی در تحقیق و توسعه نقش مثبت داشته‌اند، اما اعمال نظر بر مدیریت ملی کشورها و در نتیجه، محدود شدن قدرت دولت ملی از جنبه‌های منفی شرکت‌ها هستند.
تحول در مصرف و بازار مصرف	یکپارچه شدن بازار مصرف از طریق ایجاد همگرایی و انجام تجارت و سرمایه‌گذاری و بازارهای مالی و در نتیجه تولید انبوه و مصرف انبوه	همگرایی جهانی بسیار نابرابر است. نابرابری در مصرف، در حال تشدید است، به طوری که بیش از ۸۰ درصد هزینه به وسیله ۲۰ درصد جمعیت جهان صورت می‌گیرد.
پیوستگی جهانی	جهانی شدن بازتاب تشدید آگاهی جهانی است. خانواده جهانی در حال شکل‌گیری است.	پیوستگی جهانی، ناشی از گسترش وسایل ارتباطی است. با وجود جهانی اندیشی، مردم بر اساس منافع محلی و ملی خود موضع می‌گیرند.
دسترسی به امکانات ارتباطی	رشد میزان ارتباطات و وسایل ارتباطی در جهان (تلفن، تلفن همراه، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی)، اینترنت	نابرابری امکانات ارتباطی، به طوری که ۶۵ درصد خانواده‌ها در دنیا فاقد تلفن هستند و در سال ۹۷، ۸۵/۸ درصد کاربران اینترنت در آمریکا بوده‌اند.

سطحی است. هر چند صحبت‌های زیادی در این رابطه شده است، ولی حقیقت آن است که اقتصاد جهانی هنوز محدود است. ظاهر لایه واقعی «جهانی شدن» به بازارهای بزرگ محدود می‌شود. در بیش تر مناطق بازار و تنظیم آن در اختیار مؤسسه‌های محلی است. برای مثال تجارت هنوز منطقه‌ای است. تجارت آسیایی‌ها اکثراً با آسیایی است و آمریکای لاتین با خود آمریکای لاتین تجارت می‌کند. حتی در بسیاری از مناطق پیشرفته‌تر وضع به همین منوال است. حدود ۶۰ درصد از کل تجارت‌های اروپا بین خود کشورهای اروپایی است. فوکویاما در پاسخ به این سؤال که آیا «جهانی شدن» به تشابه بیش تر منجر می‌شود، اظهار می‌دارد، بر اثر فرایند «جهانی شدن» تشابه رسوم و ایدئولوژی‌ها بیش تر می‌شود. در بُعد فرهنگی افزایش مشابهت با سرعت همراه است.

فوکویاما بر عکس نظریه‌ای که معتقد است با پیشرفت فناوری ارتباطات و گسترش فرهنگ تلویزیونی جهانی، اشتراک‌ها و مشابهت‌ها در یک سطح عمیق ایجاد می‌شود، عقیده دارد، فناوری مذکور به افراد، گروه‌ها و ملت‌ها این امکان را می‌دهد که همدیگر را با وضوح و شفافیت بیش تری ببینند و تفاوت نظام‌های ارزشی خود را با سایر نظام‌ها درک کنند. او در ارزیابی از تأثیر متقابل فرهنگ و اقتصاد جهانی در کتاب دوم خود با عنوان «حقیقت، ویژگی‌های اجتماعی و معیارهای خوشبختی» کیفیت‌های عمیق‌تر یا به اصطلاح فرم‌های اخلاقی فعالیت اقتصادی را تعریف می‌کند. برای نمونه در چین و ترکیه، شبکه اقتصادی مبتنی بر روابط و نقش‌های خانوادگی است. به طوری که فرصت‌های شغلی به شبکه‌های اجتماعی خانواده که مبتنی بر «اعتماد» است، اتصال دارد. ما وقتی می‌توانیم چگونگی فعالیت منطقه‌ای را بفهمیم که شبکه‌های اعتقاد را

در لایه‌های متفاوت اجتماعی و اقتصادی درک کنیم.

### آثار و پیامدهای جهانی شدن (تهدیدها و فرصت‌ها)

پیامدها و آثار «جهانی شدن» را وقتی می‌توانیم کامل تر مورد بحث قرار دهیم که نگاه کلی خود را درباره موضوع روشن تر کنیم. اگر ما «جهانی شدن» را به منزله یک تهدید تلقی کنیم، می‌بینیم که در منطقه خاورمیانه با تهدیدات مختلف مواجه هستیم.

در اثر پدیده «جهانی شدن» نهادها و مؤسسات اجتماعی - سیاسی وابسته به دولت‌های ملی به تدریج فرسوده و به لحاظ کارایی سیاسی دچار افت می‌شوند. به عکس کارایی روحیه و کارایی سیاسی گروه‌ها و نهادهای مختلف دولت‌های منطقه یا منتقدان داخل قلمرو سرزمینی و یا خارج از قلمرو سرزمینی به نحو بازرزی افزایش می‌یابد.

عمده‌ترین تهدیدات پیش رو بر اثر فرایند «جهانی شدن» را می‌توان به این شرح بر شمرد (امام زاده فرد، ۷۹):

۱. تهدید مربوط به قلمرو و مرزها
۲. تهدیدات مربوط به اقوام مختلف و اقلیت‌های درون جامعه ملی
۳. تهدیدات مربوط به حکومت‌ها و توانایی‌های مدیریتی، تجربی و علمی و... برای حل و فصل مسائل مربوط به جامعه و دولت.

۴. تهدیدهای مربوط به فرسایش حاکمیت دولتی در منطقه با نگاه آسیب شناسانه، مهم ترین مسأله «جهانی شدن»، به زعم موريسون کم رنگ شدن مرزهای سیاسی در دنیای کنونی است.

فرایند «جهانی شدن» همچنین فرصت‌های قابل توجهی را برای کشورهای منطقه خاورمیانه به وجود آورده است. انزوای جدایی مناطق مختلف در خاورمیانه، به علت وجود مانع‌های جغرافیایی همچون کوه‌های بلند، صحراهای پهناور و دریاها که در گسترش پدیده گسست تشدید شده است. در حالی که اقوام گوناگون در منطقه خاورمیانه به دلیل داشتن هویت مشترک مذهبی و فرهنگی دارای قابلیت‌های فراوانی در زمینه همکاری، تعاون و همزیستی میان یکدیگر بوده‌اند؛ در صورتی که عامل جغرافیایی ارتباطی آن‌ها را از هم جدا کرده بود. تردیدی نیست که فرایند «جهانی شدن» مشکلات ارتباطی را در جوامع خاورمیانه کاهش خواهد داد و زمینه یک زندگی توأم با صلح و همکاری را فراهم خواهد ساخت.

با گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی و تشکیل جامعه اطلاعاتی، زمینه دسترسی به اطلاعات متنوع بیش تر و کنترل بر جریان اطلاعات به سختی امکانپذیر می‌شود. به همین دلیل است که شهروندان فرصت آن را پیدا خواهند کرد، به دور از کنترل‌ها، حاکمیت‌ها، به کالاهای و اطلاعات مورد نیاز خود دسترسی پیدا کنند. این امر در دراز



«جهانی شدن» به مثابه یک فرصت، موجب شود که مردان، زنان، کودکان، جوانان و کهنسالان جوامع مختلف در شهرها و روستاها زندگی خود را بهبود بخشند.

مدت، دموکراسی فرهنگی را برای بشریت به ارمغان خواهد آورد.

### نتیجه‌گیری

«جهانی شدن» از جمله مفاهیمی است که در طول چند دهه گذشته به سلسله واژگان مفاهیم حوزه علوم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی وارد شده است. این مفهوم به دلیل تازگی و گستردگی، از ابهام معنایی برخوردار است. وارد شدن این مفهوم به عرصه سیاست و ایدئولوژی‌های سیاسی و موضع‌گیری موافقت و مخالفت با آن، به ابهام آن افزوده است. به همین دلیل، گروهی از منظر آسیب‌شناختی به پدیده نگرینسته‌اند و آن را تداوم سیاست‌های استعماری و تهی‌سازی جوامع از ثروت‌های مادی و انسانی دانسته‌اند و گروهی دیگر، آن را غنیمت و فرصتی ارزنده برای زیستن در جوامع مدرن می‌دانند. اندیشمندان هر یک از گروه‌ها، دلایل و شواهدی برای تأیید نظرات خود مطرح کرده‌اند که به اهم آن‌ها در متن نوشتار اشاره شد.

فرایند «جهانی شدن» در آغاز راه خود قرار دارد و به تعبیر فوکویاما، لایه‌های اولیه «جهانی شدن» که در حال تکوین و شکل‌گیری است، با موانع جدی و مهمی مواجه است. اولین و مهم‌ترین منابع در فرایند «جهانی شدن»، تولید و توزیع اطلاعات است که سهم آن نزد ملل و تمدن‌های مختلف به گونه‌ای کاملاً نابرابر توزیع شده است. به تعبیر درست‌تر، جهان امروز کاملاً جهانی دو قطبی است. قطب تولیدکننده اطلاعات که شامل کشورهای برخوردار و صنعتی می‌باشد و کشورهای در حال رشد که مصرف‌کننده اطلاعات می‌باشند، بدون آن که سهم مؤثری در جریان تولید دانش و فناوری اطلاعاتی داشته باشند.

مانع دوم فرایند «جهانی شدن»، استفاده از نتایج این فرایند است. در صورتی که

می‌توان امید داشت که «جهانی شدن» فراگیر می‌شود و همگان در تکوین و رشد آن مشارکت می‌ورزند. این مهم وقتی محقق خواهد شد که به تعبیر کوفی عنان، رئیس سازمان ملل متحد «... مردم را در مرکز هر آنچه انجام می‌دهیم، قرار دهیم. هیچ ندایی با شکوه‌تر و هیچ مسؤولیتی بزرگ‌تر از آن نیست که مردان و زنان و کودکان شهرها و روستاهای سرتاسر دنیا را قادر سازیم که زندگی خود را بهبود بخشند. تنها در هنگامی که این امر اتفاق می‌افتد، پی می‌بریم که «جهانی شدن» فراگیر شده، به همگان اجازه خواهد داد که در فرصت‌های آن سهیم باشند.» (کوفی عنان، ۷۹، ص ۴).

### زیرنویس:

- 1- Globalization
2. world society
3. Interdependence
4. Centerizing Tendencies
5. World System
6. Globalism
7. universalism
8. Internationalization
9. Globality
- ۱۰- در زبان فارسی برای کلمه Globalization با توجه به حالت فاعلی آن، معادل فارسی «جهانی‌سازی» پیشنهاد شده است؛ همان‌طور که مترجمان در دهه‌های گذشته، برای کلمه‌های انگلیسی Westernization و Modernization معادل‌های فارسی «غربی‌سازی» و «نوسازی» را به کار برده‌اند.
- 11- Serge Latouche
- ۱۲- برای آشنایی بیشتر به کتاب غربی‌سازی جهان، نوشته سرژ لاتوش ترجمه امیر رضایی، انتشارات قصیده، ۱۳۷۹ مراجعه فرمایید.
- ۱۳- نصری، قدیر. در چینی جهانی شدن، ص ۲۸۵.
14. Boundary - Broadening
15. Boundary - Heightening
16. Denationalization
17. Detritorization
18. Delocation
19. Merrill Lynch Forum
20. Economic Globalization and Culture, A

### منابع:

امام زاده فرد، پرویز، مقاله آثار جهانی شدن در خاورمیانه، روزنامه اطلاعات مورخه‌های ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۳۷۹.

روزه‌نا، جیمز، مقاله پیچیدگی‌ها و تناقض‌های جهانی شدن، ترجمه احمد صادقی، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴، ۱۳۷۸.

تاجیک، محمدرضا، مقاله فرایند جهانی شدن و فراگشت جامعه ایرانی، به نقل از فصل نامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۳، ۱۳۷۸.

مید نورانی، محمدرضا، جهانی شدن کشورهای در حال توسعه و ایران، مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال چهارم، شماره سلسل ۱۵۶- ۱۵۵، ۱۳۷۹.

صدافت، پرویز، سرشت جهانی شدن و زمینه‌های آن، ماهنامه بورس، ۱۳۷۹.

عنان، کوفی، نقش سازمان ملل متحد در قرن بیست و یکم، تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، ۱۳۷۹.

کوسا، جهانی شدن و منطقه گرای، ترجمه اسماعیل مردانی، مجله اطلاعات سیاسی، سال چهاردهم، شماره سلسل ۱۴۸- ۱۴۷، ۱۳۷۸.

گیدنز، آنتونی، جهان رها شده، ترجمه علی اصغر سعیدی، نشر علم و ادب تهران، ۱۳۷۹.

گیدنز، آنتونی، راه سوم، ترجمه منوچهر صدری، نشر شیرازه تهران، ۱۳۷۸.

گیدنز، آنتونی، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، ۱۳۷۷.

گیریا، مونتسرات، مکاتب ناسیونالیسم، ترجمه امیر مسعود اجتهادی، انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۸.

لاتوش، سرژ، غربی‌سازی جهان، ترجمه امیر رضایی، انتشارات قصیده، ۱۳۷۹.

مظفری، مهدی، سرمایه جهانی و معیارهای جدید تمدن، ترجمه آناهیتا شعبانی، مجله سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۳، ۱۳۷۹.

موریسون، چارلز، آسیب‌شناسی جهانی شدن، نشریه اسوه، اقتباس از لوح فشرده (CD)، نمایه شماره ۱۱۳.

نصری، قدیر، مقاله در چینی جهانی شدن، تأملی نظری در سمت و سرشت آهنگ جهانی، به نقل از فصل نامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۳، ۱۳۸۰.

واترز، مالکم، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹.

ویلیامز، مارک، تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت، ترجمه اسماعیل مردانی، مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال چهاردهم، شماره سلسل ۱۵۶- ۱۵۵، ۱۳۷۹.

Economic Globalization and Culture . A  
Discussion with Dr Francis Fukuyama . C  
2001 Merrill Lynch and co .inc . important  
legal information .